

پیشاز

ده روزی که جهان را تکان داد

پیش از آنکه در سال ۱۹۱۴ میلادی، در روز ۲۸ ژوئن، در سربازخانه سارایوو، در بوسنیا، پسر جوانی به نام گوراسلین پریترس، با تیراندازی به قتل امپراتور اتریش-مجارستان، فرانتس فرانتس، منتهی شد. این واقعه منجر به شروع جنگ جهانی اول گردید. در این مقاله، به بررسی این واقعه و تأثیرات آن بر جهان خواهیم پرداخت.

پس از این رویداد جهان با آشوب و آشفتگی مواجه گردید. قتل عام بزرگ بازرگانان و شهروندان مهاجر روم در آسیای صغیر (ترکیه امروز) بود روبرو گردید.

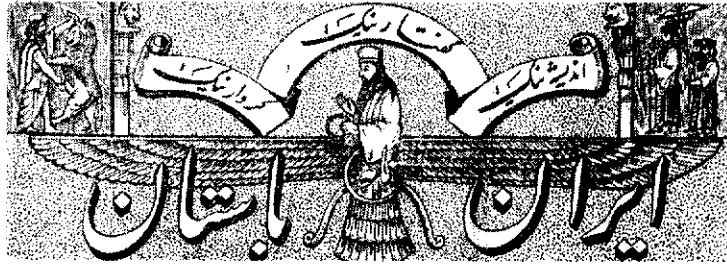
پس از تولد مسیح مورخان که بیش از آن انگشت شمار بودند بتدریج انبوه شدند. با هجرت حضرت محمد (ص) پیامبر ما مسلمانان که در قرن هفتم میلادی وقوع یافت صدها مورخ اسلامی نیز به خیل تاریخ انبوه پیوستند. از این زمان بشر توانست تاریخ مستندی درباره کلیه رویدادهای جهانی در گذشته بدست

برد. در قرن بیستم گروهی از پرفسورهای فرانسوی حوادث و رویدادهای تاریخ را از زمانی که نوشته‌ای درباره آنها به جای مانده بررسی کردند و دریافتند که ده روز زندگی بشر را دگرگون کرد. ده روزی که جهان را لرزاند و مسیر تاریخ را تغییر داد.

پرفسور پرفسور (PIERRE SHUVIN) آتش زدن تخت جمشید را جزو این روزهای داند. و پرفسور مورخ فرانسوی قتل عام بزرگ بازرگانان و شهروندان مهاجر روم در آسیای صغیر را. پرفسور میشل (BAL) از سقوط فلسطین سخن گفته است. دریغ بود که شما با نظرات این گروه از پرفسورهای

تاریخ آشنا شوید.

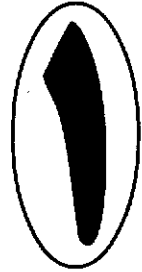




ده روزی که جهان را تکان داد

سال ۳۳۰ پیش از میلاد

تخت جمشید در آتش



نویسنده: پروفسور پیرشوون
ترجمه: علیرضا کاویانی

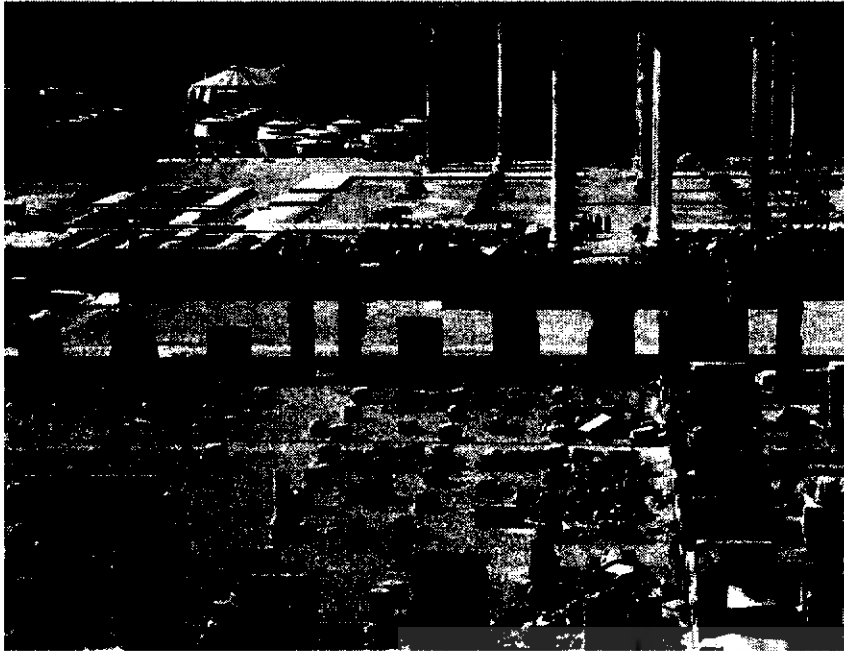


در بهار سال ۳۳۰ پیش از میلاد سپاهیان اسکندر مقدونی پس از چندین نبرد خونین با ایرانیان موفق به پیشروی در اعماق قلمرو امپراتوری هخامنشی شدند. آنان در مسیر خود از غارت، قتل عام و تجاوز در سرزمین‌های فتح شده خودداری نکردند.

در حقیقت پس از نبرد "آربیل" در جوالی موصل که در تاریخ اول اکتبر سال گذشته با پیروزی سپاهیان اسکندر خاتمه یافته بود، ارتش مقدونی نیروی هموردی در برابر خود نداشت. داریوش سوم پادشاه امپراتوری پارس به کلی در هم شکسته و نیروهایش از بین رفته و متلاشی شده بودند. مزدوران یونانی و همچنین ساتراپ‌های وی در مراکز امپراتوری، از اسکندر استقبال کردند.

سه پایتخت امپراتوری پارس یعنی بابل (عراق امروز)، شوش و تخت‌جمشید به تصرف نیروهای مقدونی درآمد بود و داریوش چاره‌ای جز گریز به مرزهای دورافتاده شمال شرقی امپراتوری پهنانور خود نداشت.

با این همه اسکندر در میان تعجب همگان دستور به آتش کشیدن تخت جمشید را صادر کرد. اقدامی که هیچ توجیه نظامی نداشت و تاریخ‌نگاران



به تدریج این سنگهای عظیم و دیوارهای آن نیز با سوختن سقف در هم ریختند و سرانجام دیوارهای

جشن نوروز و تحویل سال ایرانیان پذیرای سفیران و نمایندگان ممالک تابع این امپراتوری بود از این رو نابودی آن پیام سیاسی آشکاری بود که از پایان قدرت هخامنشیان خبر می داد.

هنوز در جست و جوی علت واقعی آن هستند. شاید اسکندر می خواست به تمام شهروندان جدیدش بفهماند که امپراتوری جدیدی قدم به عرصه حیات گذاشته است.

پرس پلیس سوخت ولی فرهنگ ایرانی همچنان پایدار ماند

آن نیز با سوختن سقف در هم ریختند و سرانجام دیوارهایی که از خشت و آجر بنا شده بودند با گذر زمان و بارندگی های مداوم از بین رفتند. برای اسکندر چنین اقدامی هیچ خطری در بر نداشت. او به همراه فرماندهان سپاهش در چادرهایی اقامت داشتند که در محوطه باغ های سرسبز اطراف پایتخت هخامنشیان برپا شده بود.

فرمانروای فاتح مقدونی پس از برگزاری آخرین ضیافت شام خود در تخت جمشید و دستور تخلیه

در بهار سال ۳۳۰ پیش از میلاد سه پایتخت داریوش در دست اسکندر بود. بابل شهر مقدسی که نابودی آن می توانست خشم و غضب ساکنان بین النهرین را برانگیزد و تعرض به آن خطر برانگیختن شورش هایی مردمی را در برداشت. شوش شهر بزرگی که خزانه های پادشاهان هخامنشی را در خود جای داده و پیشتر غارت شده بود. تنها تخت جمشید بود که با وجود تحمل اشغال نیروهای اسکندر، با شکوه و مجد بی ماندنش همچنان بر اشغالگران سنگینی می کرد.

بی مانند در آن روزگار

با این همه ویران ساختن تخت جمشید به سیطره معنوی ایرانیان به ظاهر مغلوب بر مقدونیان پیروز خاتمه نداد. چرا که پارس ها پیش از این نهادهای اداری را تنظیم و سازماندهی کرده بودند که به خوبی عمل می کرد. نظم و سلسله مراتب اداری امپراتوری هخامنشی و تشریفات آنان در زمان حمله

گنجینه های افسانه ای آن فرمان به آتش کشیدن مجموعه کاخ ها و تالارهای با عظمت آن را صادر کرد.

با این همه آتش به آسانی تخت جمشید را به کام خود نکشید چرا که در بنای آن سنگ های عظیم و خشت و آجر فرلوان به کار رفته بود. مقدونیان ناگزیر به استفاده از پارچه ها و پرده ها و لباس های قیمتی پادشاهی برای فراهم ساختن آتش مورد نیاز خود شدند.

عظمت امپراتوری پرس

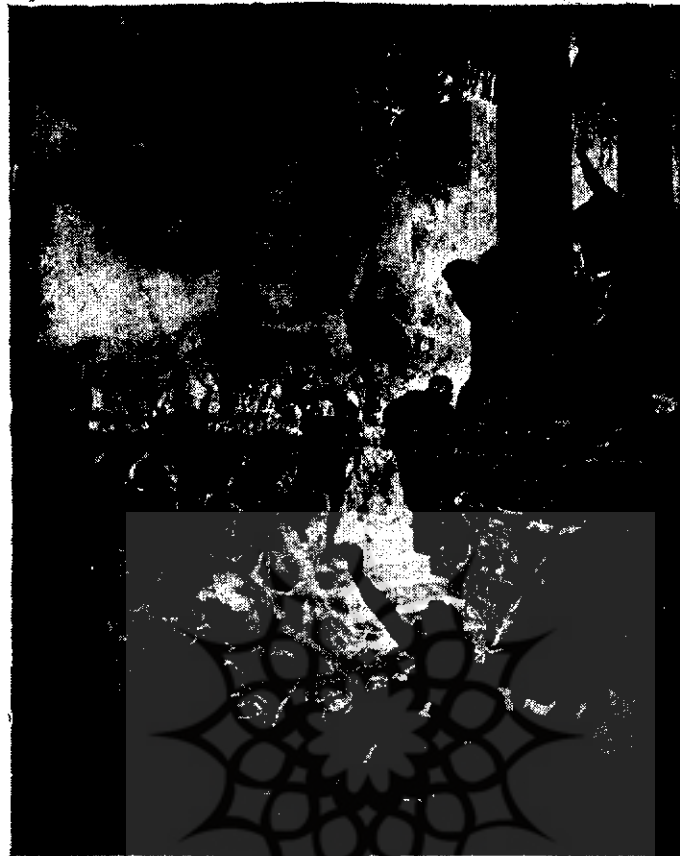
علاوه بر آن اسکندر به خوبی می دانست که تخت جمشید به عنوان نماد قدرت و عظمت امپراتوری هخامنشی است که همه ساله به هنگام

سال بزرگ یکصد ستون که با ستونهای چوبین به طول ۹ متر در قلب تخت جمشید قرار داشت به راحتی طعمه حریق شد. سالن های بزرگ شرفیابی که ستونهای سنگی به طول ۱۸ متر را در خود جای داده بود به دشواری به آتش کشیده شد و

ستونها و سالن های عظیم و زیبای پایتخت امپراتوری هخامنشی اسکندر را به چرت آورد

آتش زدن تخت جمشید (پرس پلیس) بدست اسکندر مقدونی

اسکندر تائیس زن بد عملی را بلند کرده و با مشعلی



که در دست اوست تخت جمشید را آتش میزند

برده نقاشی ز. رش کرس نقل از عمده قشون

آتش گرفتن بارگاه شاهنشاهان هخامنشی و نمونه از اندیشه فرزندان کیان :

اسکندر همچون دو سده پیش از آن در جهان آن روزگار بی مانند بود. اسکندر که خود به غنای تمدن پرس به خوبی واقف بود، یکسال پس از این حادثه در سال ۳۲۴ قبل از میلاد در بازگشت از لشکرکشی

جمشید را نه از کینه و خشم اسکندر نسبت به ایرانیان بلکه پاسخی به اقدام مشابه خشایارشا در نابودی بناهای آتن در یونان می دانند.

"پلوتارک" که تاریخ زندگی اسکندر را در کتابی

منتشر کرده است در این زمینه به نقل از فرمانروای مقدونی می نویسد: "من مجنوب زیبایی و عظمت کاخ های ایرانیان هستم ولی بهتر است که آن را در پاسخ اقدام خشایارشا در به آتش کشیدن

آتن بسوزانم!" باید دانست که خشایارشا یکی از بانیان اصلی گسترش تخت جمشید و عظمت آن بوده است.

ماجرای به آتش کشیدن تخت جمشید همچنان توجه تاریخ نگاران را به خود جلب و آنان را شیفته

خود به شوق، جشن بزرگی در شوش برپا کرد و دختران ساتراپیهای ایرانی را به ازدواج افسران خود درآورد. اسکندر خود نیز با دو شاهزاده ایرانی از جمله "رکسانا" ازدواج کرد.

پاره ای از تاریخ نگاران به آتش کشیدن تخت

تحقیق هر چه بیشتر در آن رابطه می کند. در زمینه فرهنگ ایرانی باید گفت که آتش سوزی تخت جمشید نشانی از پویایی چنین فرهنگی را به تصویر کشید چرا که پس از این حادثه بزرگ ایرانیان همچنان به حیات فرهنگی و معنوی خود ادامه دادند و با وجود حضور سپاهیان فاتح اسکندر در خاک خود بر مهاجمان پیروز تأثیر نهادند. از سوی دیگر ویرانی تخت جمشید نتوانست به در هم آمیختن دو فرهنگ ایرانی و یونانی خلی وارد کند.

تصور ترکیب ستونهای به آتش کشیده شده تخت جمشید و مجسمه های غول آسای یونانی که خشایارشا در آتن ویران ساخته بود در آثاری که سه سده بعد در ارتفاعات "نیمرود داغ" در ترکیه امروزی بنا شده بود به راستی حیرت برانگیز است.

چرا اسکندر مقدونی دست به چنین جنایتی زد؟